



کی داره به جای تو بازی می‌کنه؟

فرمان بازی را نگه دار

وابستگی، یعنی به جای اینکه خودت محکم فرمان بازی رو بگیری، مثل ماست و ایسی و فرمون رو بسپاری دست یه قلدر زورگویی که ادعای مربی‌گری هم داره. اون بهت می‌گه: «من بازی رو کنترل می‌کنم، تو فقط بزن و بجنگ.»

تو هم که گول ادعاهای توخالی قلدرخان رو خوردی، اولش خوشحالی و حال می‌کنی از اینکه یه قلدر پشتت؛ اما این قلدر زورگو، لجوج و بدقوله. حالا ببین چی می‌شه. صبح بهت دستور می‌ده: «همه فن‌هایی که تا حالا بلد بودی رو بریز دور؛ امروز فقط باید روی فلان فن وقت

بذاری. تمام روز تمرین می‌کنی.» فردا می‌ری رینگ، همون حامی لجوج می‌گه: «اِه، امروز حوصله‌م سر رفته! برو سراغ یه فن دیگه. اگه نزن، کمک‌هام قطع می‌شه.» اگه نزن، دیگه بهت نمی‌گه چی‌کار بکن و چی‌کار نکن. روز بعد میاد می‌گه: «یه مدال مفت و مجانی‌مون نشه؟» تو هم دست می‌ندازی دور گردنت و مدال‌هایی رو که با بدبختی و عرق‌ریزون به دست آوردی، می‌دی بهش؛ چون فرمون بازی دست اونه و تو دیگه هیچی از خودت نداری.

اینجاست که فاجعه شروع می‌شود: تو دیگه بازی نمی‌کنی، فقط از ترس قطع شدن کمک‌ها، کورکورانه دستوره‌های یه آدم غیرقابل اعتماد رو اجرا می‌کنی. تو مالک استراتژی خودت نیستی. داشته‌هات مال خودت نیست، افتخارات هم مال خودت نیست. اگه اون بدقولی کنه و وسط مبارزه کمکت نکنه، تو زمین می‌خوری و تنها کسی که مقصره، خودتی که فرمان بازی رو دادی دستش!

تو که تا دیروز کلی افتخار داشتی، کم‌کم تبدیل می‌شی به یه آدم ضعیف، بدبخت و آویزون! وابستگی، یعنی تمام وقتت رو صرف راضی نگه داشتن کسی می‌کنی که خودت هم می‌دونی هیچ‌وقت نمی‌شه به حرفش اعتماد کرد. یادت باشه! اون فرمان رو هیچ‌وقت واقعاً بهت پس نمی‌ده. فقط هر چند وقت یه بار می‌ذاره باهش یه دور بزنی، تا فکر کنی هنوز خودت راننده‌ای!